

سینما و نوجوانان

نوشته : دکتر ابراهیم رشیدپور

دانشیار آموزش سعی و بصری و رادیو تلویزیون تربیتی دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تهران

سالها است که ماله‌ای بنام سینما و نوجوانان دنیای صنعتی قرن بیستم را بخود مشغول داشته است . بقولی در بیست سال اخیر دنیای توسعه یافته اروپائی و آمریکائی و جهان در حال توسعه آفریقائی و آسیائی ناگزیر از این بوده‌اند تا در کشاکش مبارزات خویش با مشکلات و مسائلی چون فزونی جمعیت و بیسوادی ، بحران های اقتصادی و سیاسی ، تغییرات اجتماعی و فرهنگی با این مسئله نو ظهور نیز بشکلی که خاص بر خورد ایشان با مسائل نسل جوان خویش بوده دست و پنجه نرم کنند و لاقلا اگر راه عاقلانه‌ای برای حل مشکل موجود پیدا نکرده‌اند در تخفیف موقت آن بنحوی بکوشند .

از پیدایش صنعت فیلم و سینما بیش از نیم قرن نمیگذرد ، اما در چهار گوشه جهان امروزی ، کمتر کشوری را میتوان سراغ کرد که سینما را نشناسد و حتی اگر مردمانش از يك حداقل قابل قبول در زندگی بهره‌مند نیستند معهذای میلیونها دلار از درآمد ملی خود را برای فراهم ساختن وسایل تفریح و سرگرمی صرف خرید و نمایش فیلم نکنند .

جدول زیر که از کتاب «ارتباطات در دنیا» اقتباس شده وضع فیلم و سینما را در دنیای امروز ما بخوبی مجسم میکند . طبق آمار بدست آمده بوسیله سازمان تربیتی علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو) در سال ۱۹۶۱ تعداد سندلیهای سینما برای هر صد نفر از مردم دنیا در چهار گوشه جهان بصورت زیر بوده است .

| | |
|-----|---------------|
| ۲۳ | دنیا |
| ۰٫۶ | آفریقا |
| ۵٫۵ | آمریکای شمالی |
| ۳٫۲ | آمریکای جنوبی |
| ۰٫۶ | آسیا |
| ۵٫۴ | اروپا |
| ۸٫۷ | اقیانوسیه |
| ۵٫۶ | شوروی |

البته کارشناسان یونسکو در ذکر این آمار بیش از هر چیز به مسئله توزیع غیر منظم وسائل ارتباط جمعی (که سینما نیز یکی از آنها است) توجه دارند . ایشان حتی تعداد سندلیهای موجود در دنیا را برای تماشای فیلم کافی نمیدانند و معتقد به حداقلی هستند که متاسفانه با تمام جد و جهد ناشران اندیشه ها هنوز بدست نیامده است . معهذای وقتی مسئله را از زاویه دیگری مورد بررسی و سنجش قرار میدهیم متوجه میشویم که چطور فیلم و سینما در تمام دنیا نفوذ و تاثیر همچنان انگیز خویش را نمودار ساخته است . در یکی دیگر از جداول منتشره در کتاب «ارتباطات» به گسترش و پیشروی وسائل ارتباط جمعی اشاره میشود و در مورد سینما میبینیم که از سال ۱۹۵۳ تا ۱۹۶۱ یعنی فقط در مدتی کمتر از يك دهه ۲۰ درصد در آمریکا ، ۳ درصد در جنوب آمریکا ، ۱۰۰ درصد در آسیا و ۱۰ درصد در اروپا بر تعداد سندلیهای سینما افزوده شده است . اگر پیش‌بینی «شرام» را در این مورد بپذیریم شك نیست که در هفت سال اخیر یعنی از ۱۹۶۱ این گسترش و افزایش بصورت تصاعدی ادامه داشته و هر روز بر تعداد سندلیهای سینما یا در حقیقت مشتریان فیلمها بنحو شکفت‌انگیزی افزوده شده است . در این مورد «شرام» از وسعت دامنه ارتباط بوسیله فیلم و سینما در دنیا صحبت میکند و چون از کسانی است که گسترش وسائل ارتباط جمعی را دواي بسیاری از مشکلات جهان امروزی و اصولا اساس رشد ملی میداند ، این افزایش «سندلیها» را بقال نیک‌میگیرد . البته در يك مورد حق با شرام است و این آنجا است که اوسخن از تاثیر و نفوذ فیلم و سینما در بالا بردن سطح اطلاعات مردم کشور های در حال توسعه بمیان‌میآورد . شرام اشاره به شادی و پای کوبی مردم روستائی و ده نشین آسیا و آفریقا بهنگام دیدن واحد سیار نمایش فیلم

میکنند و فیلم و سینما را برای این مردم چشم و گوش بسته بمنزله جعبه سحرآمیز و عجائب میدانند، اما در این مورد بی‌گمان شرام بیشتر بر فیلمهای آموزشی و فرهنگی نظر دارد در حالیکه ارمغان جعبه سحرآمیز و عجائب ادیسون و برادران نومیر همیشه اطلاعات و افکار و آشنائی با پشت پرده ها نبوده. در بسیاری از موارد این جعبه سحرآمیز تنها به نمایش اگراندیسمان شده جنبه‌های زشت و استثنائی و غیر واقعی زندگی مشغول بوده و کاری جز بازی با احساسات و آرزوهای خفته و آرام مردم بخصوص اطفال و نوجوانان انجام نداده. شاید خود «شرام» اگر کتابی درباره تاثیر سینما در زندگی اطفال و نوجوانان مینوشت (همچنانکه این کار را در مورد تلویزیون انجام داده‌است) بهتر از هر کس دیگری این مسئله را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار میداد. هر چند بنظر نمیرسد این دانشمند گرانمایه در عین حال که گسترش سینما و تولید فیلم را ضروری و مایه رشد ملی میدانند مسئله سینما و نوجوانان را که انگیزه تحقیقات و تصمیمات فراوان بوده است انکار نماید. بررسی مسائلی که فیلم و سینما در زندگی اطفال و نوجوانان بوجود آورده‌اند بیش از هر چیز، يك كار تحقیقی است.

گذشته از محققین که بیشتر به توصیف واقعیت می‌پردازند، نویسندگان و صاحب نظران اجتماعی نیز در اطراف این قبیل مسائل در مقالات انتقادی، سخنرانیهای تبلیغاتی و طرح های اخلاقی خود به بحث و گفتگو پرداخته و هر يك بر اساس اعتقادات، تعصبات و در مواردی اغراض خویش نکات متنوع و جالبی را یادآور شده‌اند. بطور مثال پاره‌ای از ایشان سینما را تنها عامل «انحراف نسل جوان» معرفی کرده و درمان نوجوانان را از این آفت خانمانسوز «تحریم فیلمهای نامناسب» دانسته‌اند. همین عده وقتی در عمل متوجه شده‌اند که پیچیدگی های سیاست اقتصادی در دنیا تحریم را دشوار ساخته و اصولاً تعیین «نامناسب» و تشخیص آن از «مناسب» زیاد عملی و آسان نیست به سانور و معجزات آن متوسل شده و از سازمان های مشول خواسته‌اند آنچه را «محرک» و «وسوسه‌انگیز» است بیرون کنند و بقیه صحنه‌ها را حتی اگر بدترین نمونه سعیت و وحشیگری باشد اجازه نمایش دهد چرا که شاید ناخودآگاه همه ما نامناسب و زیان‌آور را تنها در آن چیزهائی میدانیم که زجر و محرومیتش را بیشتر چشیده‌ایم.

از پیشنهادات جالب در حل مساله سینما و نوجوانان در امان باشید تنها «گذشت روز ماه و سال» را هدف و توجه قرار دهید و به آنکس اجازه تماشای زشتی های اجتماع را بدهید که مثلاً ۱۷ سال و ۳۶۵ روز تمام از دوران عمر را پشت سر گذاشته باشد، زیرا گاهی اوقات یک هفته و یکروز زودتر به تماشای پلیدیها رفتن در سوق دادن نوجوانان به بزه و بزهکاری نقش بسیار مهمی را برعهده دارد.

مسائل و مشکلات نوجوانان امروزی از طرفی و تاثیر و نفوذ فیلم و سینما از طرف دیگر موجب آن گردیده که در بسیاری از ممالک پاره‌ای از نویسندگان و صاحب نظران عجول، بی‌مطالعه بین این دو عامل رابطه مستقیم موثری را فرض کرده و سینما را تنها عامل نابامانیهای زندگی نوجوانان و در مواردی تنها انگیزه ایشان به ارتکاب خطا و بزه کاری بدانند. با وجود اینکه تاثیر سینما در نوجوانان را نمیتوان نادیده گرفت، اما تا آنجا که تحقیقات و تتبعات علمای علم رفتار بشری نشان میدهد هنوز رابطه صد درصد مستقیمی بین دیدن «يك فیلم» و ارتکاب «يك بزه» دیده نشده. تاثیر فیلم و سینما در نوجوانان و اینکه این تاثیر تا چه اندازه بتواند ایشان را نسبت به سنت های اجتماعی بی‌اعتنا و سرکش سازد بستگی به عوامل متفاوت و متعددی دارد که بقولی مهمترین آن عبارت است از: مقام و موقعیت نوجوانان در خانواده و اجتماع.

دکتر «ویلبر شرام» در کتاب معروف خویش «بنام تلویزیون در زندگی اطفال ما» پس از اشاره به همین نکته یادآور میشود که اطفالی بیشتر در معرض همانندی بازشتیها و ناپاوریهای عالم فیلم و سینما هستند که خلایق در زندگی خانوادگی و اجتماعی آنها را مستعد و پذیرا نموده است والا هر طفلی با دیدن هر فیلمی در خطر فساد و تباهی نخواهد بود. پذیرفتن پلیدیها احتیاج به زمینه مساعدی دارد که در اکثر موارد از قبل بوسیله محیط خانوادگی و اجتماعی نوجوان فراهم گشته است.

پیشنهاد یونسکو

باتوجه به علاقه‌ای که مردم در سراسر جهان نسبت به مسئله سینما و نوجوانان نشان میدهند و بخصوص بدلیل مطالب غیر علمی و «هیجان انگیز» و شتاب‌آلودی که به وسیله نویسندگان مقالات انتقادی و پدر و مادر های بخشم آمده نوشته و منتشر میشود، سازمان تربیتی، علمی، و فرهنگی ملل متحد که بنام اختتامی یونسکو UNESCO شهرت دارد درصدد برآمد تا در این زمینه نیز دست به انتشار نشریه‌ای مفید و علمی بزند. این نشریه بصورت کتابی تحت عنوان «آموزش فیلم در سال ۱۹۶۱» بوسیله «جی. ام. ال. پیترز» منتشر شد و همانطور که انتظار میرفت مورد استقبال مردم قرار گرفت. هدف از انتشار این کتاب معرفی تر و پیشنهاد جدیدی بوسیله یونسکو در مورد مسئله سینما و نوجوانان بوده است. این پیشنهاد در صورتیکه با دقت و علاقه فراوان بکار بسته شود میتواند تا حد بسیار زیادی از شدت وحدت تاثیر فیلم و سینما در نوجوانان بکاهد. در معرفی این تر و پیشنهاد بطور خلاصه یونسکو براین اعتقاد است که بهترین و موثرترین حفاظ مردم بخصوص نوجوانان در مقابل تاثیرات سینما که متأسفانه در اکثر موارد بخصوص در اطفال منفی بوده در این است که به ایشان فرصت داده شود تا

خود بعنوان منقد و قاضی شایسته‌ای آنچه را بی‌آزار می‌آید تجزیه و تحلیل کرده و خوب و بد را بکمک نیروی عقلایی خویش از یکدیگر تشخیص دهند. تحریم، سانسور و انتقاد، بخصوص وقتی فرد یا دستگاهی آنرا برای نوجوانان انجام دهد نه تنها مضر به نفع نیست بلکه فراوان مشاهده شده که تاثیر و نتیجه منفی و کاملاً برعکس بر جای گذارده است.

یونسکو در حالیکه تاثیر منفی و درسیاری از موارد مخرب فیلم و سینما را در اطفال و نوجوانان انکار نکرده و دنیای فیلم را انعکاس دنیای حقیقی ما نمیداند معیناً با پیشنهادات منفی افرادی که خواسته‌اند تنها بکمک سانسور و حتی گمراه ساختن جوانان نسبت به حقیقت سینما راه حلی برای مشکل قرن حاضر پیدا کنند موافق نیست و از همه مهمتر آنرا عملی نمیداند. در حقیقت اگر قرار بود با جلوگیری و فشار و زور و تهدید اطفال و نوجوانان را از تاثیر سینما بدور داشت این مسئله تا بحال خود بخود حل شده بود زیرا کمتر پدر و مادر، مربی، و اجتماعی است که لاقلاً برای یکبار این راه حل را انتخاب نکرده باشد. یونسکو با انتشار این کتاب راه حل جدیدی را عرضه میدارد. راه حلی که شاید مهمترین خصوصیت آنرا بتوان جنبه مثبت و سازنده آن دانست. یونسکو از ما میخواهد تا اطفال و نوجوانان خود را مجهز به نیروی بررسی، سنجش و ارزیابی نموده و بجای اینکه با جوب دستهای کهنه ترس و نگرانی، ایشان را از سقوط در گودال زشتی های اجتماع در امان داریم بآنها فرصت دهیم تا خود بکمک فهم و درک و آگاهی راه را از چاه تشخیص دهند.

بیداری اجتماعی و آموزش نسل جوان

این فلسفه که ما بعنوان يك تر و پیشنهاد جدید از آن یاد کردیم اگر در مورد فیلم و سینما بدعت و تازگی داشته باشد، در مورد تعلیم و آموزش زیاد ناآشنا نیست. «پل رونا» در مقدمه کتاب «فیلم مستند» بخوبی از ارزش چنین دید مثبتی در امر خطیر و مهم بیداری اجتماعی و آموزش نسل جوان سخن میگوید. بنظر او بزرگترین خطری که اجتماع امروزی ما و مردم عصر و دوره ما را تهدید میکند جلوگیری از بیداری اجتماعی ایشان است. «اگر مردم در خانه و مدرسه و اجتماع بکمک پدر و مادر و مربی و موسسات اجتماعی از خواب غفلت و فراموشی قرون بیدار میشوند و از جهت هوش و تفکر اجتماعی صاحب بینشی قابل اطمینان برای حل مسائل زندگی خویش میگشتند بسیاری از مشکلات امروزی ما بخودی خود از میان میرفت.» اگر این حقیقت را بپذیریم نکته بسیار مهمی که ذهن و فکر تمام ما را در نقش مربیان اجتماع کنونی متوجه خود میسازد این است که چه عواملی تاکنون بابیداری اجتماعی مردم عصر و دوره ما بسازنده برخاسته و سد راه آن بوده است. در بررسی این سؤال هر کسی از زاویه دید خویش جوابی میدهد و هر کس فرد یا نهاد بخصوصی را متهم میسازد. از این میان آنچه بیش از هر چیز جلب نظر ما را میکند ادعای صاحب نظران است که بزرگترین دشمن بیداری اجتماعی مردم را وجود «وسائل تفریحی» میدانند. بطور خلاصه ایشان بدلائیل متعددی معتقدند آنچه تاکنون سد راه بیداری اجتماعی مردم بوده طرقي است که مردم برای سرگرمی و تفریح خویش انتخاب کرده‌اند و این وسائل تفریح و سرگرمی که شاید سینما مقبولترین آن باشد، بجای اینکه خود بعنوان عامل بسیار مؤثر و با نفوذی در بیداری اجتماعی بکوشند روز بروز و لحظه بلحظه مردم را در غفلت و فراموشی عمیقتری فرو برده‌اند. از نظر این عده تنها مانع واقع بین خردمندانه مردم قرن بیستم وجود وسائل تفریحی مدرن یعنی فیلم و تلویزیون و رادیو بوده است «پل رونا» با قبول چنین فکر و نظریه‌ای که در پیدا کردن علل نابسامانیها بیش از هر چیز بر خلق توجه دارد زیاد موافق نیست. او معتقد است که اگر ایرادی تئوریک بر وسائل تفریحی وارد باشد در حقیقت در شکل و فرمی است که صاحبان این وسائل مثلاً تهیه کنندگان فیلم و برنامه‌های تلویزیونی به محصول کار خویش بخشیده‌اند والا در بسیاری از موارد و مخصوصاً زمانی که این وسائل با استفاده از قدرت واقعی خویش محصول خود را در عالیترین شکل ممکن تقدیم اجتماع داشته‌اند نقش مؤثری را در بیداری اجتماعی بدوش گرفته‌اند.

از نظر او مسئله قرن بیستم در بیداری اجتماعی مردم، وجود سینما و تلویزیون و سایر وسائل تفریحی و ارتباطی نیست بلکه بقولی مسائلی چون اوضاع خسته کننده کار و شغلی که مردم در دنیای صنعتی برعهده گرفته‌اند، عدم فرصت برای انجام مسئولیتهای فردی، و فقدان شور و شوق به تشکیل يك زندگی دسته جمعی اما خلاق که هیچکس نقش و هدف خویش را در آن گم نکرده باشد موجب این شده است که مردم عصر و دوره ما از طرفی از درک و تشخیص اجتماعی بدور بمانند و از طرف دیگر برای اینکه شکل و فرم لذت بخشی به زندگی خویش به بخشند رو سوی تفریح و سرگرمی بیاورند، تفریح و سرگرمی در پست‌ترین شکل ساده‌ترین فرم آن.

«پل رونا» باین بحث تلویحاً با فردی جواب میدهد که اعتقاد دارند مهمترین دلیل عدم پیشرفت شکلهای هنری و تفریحی در اجتماع ما تنها مسائلی چون اقتصاد و پول بوده است. او میگوید برعکس دلیل مهمتر را باید در شکل اجتماع و خصوصیات اجتماع کنونی جستجو کرد که مردم را وادار میکند تا روز بروز بدلائلی که گفتیم سبک‌تر و زشت‌تر و خنده‌دارتر را بخواهند و از سنگین‌تر و هنری‌تر و بالاخره توجه به آثاری که ایشان را بفکر وادار دوری گیرند. این خصوصیت اجتماعی به صاحبان وسائل تفریحی نه تنها فرصت استفاده و سوء استفاده را میدهد بلکه اصولاً ایشان را وامیدارد تا این خلاء را پر کنند و آنچه را مردم میخواهند آزادانه در اختیار ایشان قرار بدهند.

باتمام حقیقتی که در مطالب ذکر شده در بالا بچشم میخورد معهذا باید به يك نکته توجه داشت و آن اینکه خوشبختانه مردم عصر و دوره ما کم کم متوجه شده اند که روشهای موجود که به زندگی و محیط ایشان نظم میبخشد بیش از این قابل دوام نیست و ایشان را سرانجام بمنزل مقصود نخواهد رسانید.

مردم ما باسرعتی هرچه تمامتر اعتقادات و سنت های دست و پاگیر کهن خویش را از دست میدهند و مسائلی که تا دیروز وحی منزل بشمار میرفت و خود مانعی در بیداری اجتماعی بود ارزش و اعتبار خود را از دست میدهد. شاید همین دو عامل به تنهایی موجب این شده است که آثاری ولو کم رنگ و ضعیف از يك نوع بیداری اجتماعی در بین طبقات مردم بچشم بخورد و البته ما نیز در نقش مرئی باید با استفاده از تمام امکانات به تحقق بخشیدن واقعی آن کمک کنیم.

بیداری اجتماعی در مورد فیلم و سینما همانطور که در فوق اشاره کردیم عبارت از این است که مردم بتوانند آزادانه و با راهنمایی عقل و خرد رهبری شده خویش فیلم هائی را برای دیدن انتخاب کنند که نه تنها ایشان را سرگرم کند و به ایشان لذت بصری ببخشد بلکه ایشان را از جهت اجتماعی بیدارتر کند. به ایشان چیز یاد بدهد. به ایشان لذت برخورداری از هنر واقعی را ببخشد و از همه مهمتر در ارگانسم پیچیده ایشان بصورت عاملی منفی خانه نازد تا روز و روزگاری بکمک سایر عوامل تاثیر مخربش هویدا گردد. انتقادات سینمایی که گاهی اوقات رپر تاژ تجارتمی است با اعلانات هوس انگیز و گول زن، عکسهای وسوسه انگیز و محرك پست و پتیرین که معمولا از داغ ترین سحنه ها انتخاب شده و گاهی اوقات قیچی سانسور، تماشاچی فریب خور را از دیدن آن محروم ساخته است، وعظ و خطابه مصلحین اجتماعی که اصولا فیلم نباید دید و حتی دستور و نصیحت پدر و مادر که «فلان فیلم را نبین» یا «حق نداری به سینما بروی» هیچ يك نباید راهنمای نوجوانان در انتخاب فیلم باشد. زیرا این راهنمایان هرگز نقش خویش را بخوبی بازی نکرده اند و هر يك تحت تاثیر انگیزه راهی نشان داده اند که بدون نتیجه بوده است. راهنمای حقیقی همانطور که گفته شد باید عقل و خرد شخص باشد. یونسکو از چنین فکر و عقیده ای سخت جانبداری میکند. سوالی که بدنبال این نکته حتما پیش خواهد آمد این است که این کار را از کجا باید شروع کنیم. جواب یونسکو در این عبارت خلاصه میشود: از کلاسهای مدرسه، از محلی که هر کار مثبتی را باید از آنجا شروع کرد.

درباره هدف از آموزش و تعلیم و تربیت در دنیای کنونی مطالب بسیار زیادی گفته و نوشته شده که از موضوع بحث ما بدور است. اما دوزاخ واقعیت نخواهد بود اگر بگوئیم که در حال حاضر هدف از آموزش و پرورش بطور کلی عبارت از آماده ساختن افراد برای قبول مسئولیت های شخصی و اجتماعی ایشان در نقش افراد سازنده و مثبتی است که بتوانند نقش خود را در برخورد با مسائل و مشکلات زندگی بدرستی ایفا نمایند. و شاید از این مهمتر در موقع انتخاب بین فرصتها بکمک عقل پرورش یافته خویش بهترین و خوبترین و اصلی ترین را بپذیرند و از بدترین و زشت ترین دوری گیرند. متأسفانه يك نظر بر سیستم های آموزشی بیشتر ممالک این نکته را روشن و آشکار میسازد که چنین مفهوم با عظمتی هنوز در اکثر ممالک بصورت واقعیت بخودش نگرفته است. حتی بجزرات میتوان گفت که سیستم های آموزشی اکثر ممالک هرگز واقعیات مسلم و اساسی و عوامل لازم، برای انجام وظائف يك انسان مشغول را در اختیار افراد تحت تعلیم خویش قرار نداده و ایشان را برای انتخاب اصلی آماده ساخته اند.

متأسفانه اکثر دست پروردگان سیستم های آموزشی دنیا در موقع انتخاب بین فرصتها و امکانات زندگی اصولا از تصمیم گرفتن عاجز هستند و به همین دلیل با اجبار اختیار خویش را بدست افراد و مؤسسات میدهند تا اینکار را برای ایشان انجام بدهند.

اگر ما بتوانیم افرادی را که در هر يك از مراحل تحصیلی با سیستم آموزشی ما سرو کار دارند بصورتی به قدرت تفکر و تصمیم مجهز سازیم که بتوانند موفق به انتخاب بهترین و مناسبترین بشوند، وظیفه خویش را در نقش مربیان ایشان انجام داده ایم. یونسکو از ما میخواهد تا اگر برای سایر مباحث تعلیماتی و آموزشی يك چنین هدفی را دنبال کرده ایم هم اکنون در مورد فیلم و سینما نیز چنین راهی را در پیش گیریم. فیلم و سینما را در مدارس درس بدهیم و برای آموزش فیلم در جدول برنامه درسی محل مناسبی پیدا کنیم.

نکاتی در باره آموزش فیلم

تدریس و آموزش فیلم و سینما از نظر کارشناسان یونسکو جزئی از تدریس هنر در سیستم تعلیماتی است. سالها است که تدریس جلوه های مختلف و متفاوت هنر، مثل نقاشی، موسیقی و مجسمه سازی در مدارس قبول عام یافته و در کمتر مملکتی با یاد دادن این فنون به معصیلین مدارس مخالفت میشود. مسئولین امور تعلیماتی قبول کرده اند که آشنائی با زیبایی و هنر برای متعادل ساختن شخصیت بشری لازم و واجب است و به همین دلیل تدریس آنرا در ردیف سایر علوم و فنون امروزی قرار داده اند. متأسفانه با اینکه در خارج از محیط مدرسه فیلم و سینما بعنوان يك هنر ارزنده و پدیده ای از قدرت خلاقه بشری پذیرفته شده، معهذا در محیط آموزشی بسیاری از ممالک آنرا بچشم موضوع و مبحث هیجان انگیز و نامعقولی می نگرند که اگر امکان داشت به نحوی نوجوان برای ابد

از آن دور میماند شاید زندگی بهتر و سالم‌تری برای خویش تهیه میدید. از يك نظر حتی بجزایر میتوان گفت که در زمان حاضر وبا پیشرفت و نفوذ فیلم و سینما، شاید این تنها پدیده‌ای از دنیای هنر باشد که نوجوانان اوقات وایام زیادتری از روزگار خویش را در آشنائی با آن میگذرانند.

بعبارت دیگر در حالی که امکان دارد نوجوانان بخصوص در طبقات کم‌درآمد ممالک در حال توسعه پس از فراغ از تحصیل از آشنائی بیشتر با زیباییهای موسیقی، نقاشی و مجسمه‌سازی محروم باشند فرض براین است که دسترسی و تماس ایشان با فیلم و سینما به آسانی امکان پذیر بوده و بدلیل جاذبه هیجانی فیلم و سهولت دسترسی به سینما از آن بهره‌برداری زیادتری میکنند.

در آموزش فیلم به نوجوانان، متن و موضوع فیلم، جنبه‌های اجتماعی، اخلاقی و اقتصادی و خلاصه مراحل فنی همه مورد بحث و گفتگو قرار خواهند گرفت. با تدریس این مراحل باید امیدوار بود که دیدن فیلم برای نوجوانان بصورت يك دنیای دومی درآید که دنباله و ادامه‌ای است از دنیای واقعی او. در صورتیکه نوجوانان را برای این وظیفه خطیر آماده کرده باشیم آنها قادر خواهند بود که از دیدن این دنیای دوم لذت برده و حتی با مشاهده آن تجربیات گرانبهایی برای زندگی خود بدست آورند. ما به نوجوانان یاد خواهیم داد که سینما نیز مثل سایر هنرهای زیبا وسیله‌ای است برای آشنائی با جلوه‌های هنری که میتوان از آنها لذت برد اما نمیتوان آنرا الگو و نمونه زندگی واقعی قرار داد. در تدریس فیلم به نوجوانان بخصوص بمنظور راهنمایی ایشان برای تمیز و انتخاب فیلمهای خوب نکات و مسائل عدیده‌ای در نظر گرفته میشود که در این بحث بطور خلاصه به مهمترین آنها اشاره میکنیم.

قبل از هرچیز باید توجه داشت که زبان فیلم بمعنی واقعی آن به شاگردان آموخته شود. دانشمندان براین اعتقاد هستند که دیدن فیلم خود بمنزله یکنوع تفکر خردمندانه است. همانطور که شخصی برای خواندن و فهمیدن يك کتاب باید بر زبان لغوی تسلط داشته باشد تا آن را بفهمد لازم است برای درک فیلم و فهمیدن آن نیز زبان بصری را یاد گرفته باشد.

فیلم از تعداد زیادی نماهای کوتاه و مقطع تهیه شده که گاهی اوقات در روزهای مختلف و ساعات متفاوت آنها را فیلمبرداری کرده‌اند. این نماها با استفاده از قوانین هیجان‌انگیز پیوند دنبال هم قرار گرفته‌اند و تشکیل صحنه‌ها و سکانس‌های واحدی را داده‌اند. هر نما، صحنه و سکانس شامل پیامی است که کارگردان آنرا به سلیقه خویش و با انتخاب زاویه، نور، فاصله و سایر خصوصیات فنی برای مقصود خویش انتخاب نموده است. در هر نما چشم تماشاچی به اشیاء و موجوداتی میخورد که نماینده افکار و معتقداتی هستند و گاهی اوقات معنی آنها راتنها از شکل و خصوصیات ظاهریشان نمیتوان درک نمود. برای این خصوصیات ویا بعبارت دیگر درک زبان فیلم باید بیننده را طوری تربیت کرد که در تماشای فیلم نقش فعالانه‌ای بخوش گرفته و با سعی و کوشش فراوان درصدد آشنائی با معنی واقعی صحنه‌های فیلم برآید.

مسئله قابل بحثی که در این مورد پیش می‌آید این خواهد بود که آیا آشنائی زیاد و بیش از اندازه با فیلم مانع از این نخواهد شد که نوجوانان و بطور کلی بینندگان از آن لذت نبرده و فیلم جنبه تفریحی و سرگرم کننده‌اش را برای آنها از دست بدهد. جوابی که به این سوال داده میشود منفی است. یکنفر داستان نویس با اینکه خود بکلیه رموز داستان نویسی آشنائی داشته و از راه تجربه شخصی میداند که چگونه بکمک توهم و تخیل و قدرت قلم، و بازی با کلمات صحنه‌ها جور میشوند. معینا وقتی نویسنده نویسنده دیگری را بدست میگیرد و میخواند از آن لذت میبرد و آشنائی او با فنون داستان نویسی او را از لذت و تفریحش باز نمیدارد.

بهمین صورت کارگردان فیلم که خود بارها با استفاده از ابتکارات سینمایی هزاران نمای جدا از هم را بیکدیگر پیوند زده و از آن داستانی شیرین و جذاب بوجود آورده است بدیدن فیلمهایی که بوسیله دیگران و بهمین صورت ساخته شده‌می‌رود و از آن لذت میبرد. آشنائی با زبان فیلم و شناختن خصوصیات آن بهیچوجه موجب این نخواهد شد که بینندگان از آن لذت نبرده و فیلم جنبه لذت بخش و تفریحی خود را از دست بدهد. بلکه برعکس بخاطر اینکه این لذت توأم با فهم و درک کامل فیلم بوده و تأثیر مخربی در نوجوانان و اطفال باقی نمیگذارد، باید با آنها کمک کرد تا این پدیده هنری قرن حاضر را شناخته و با زبان شیرین و اسرارآمیز آن آشنا شوند.